

صیانت و پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن کریم و راه‌های نهادینه کردن

آن در بین کارکنان پلیس

عباس عصاریان^۱

مهدی جراحی دربان^۲

چکیده

در طول تاریخ بشر، جرم، گناه، کج روی اجتماعی و عدم رعایت هنجارها و ارزش‌ها در سطح جامعه باعث بروز مشکلات متعددی گردیده و همیشه بشر در اندیشه صیانت از فرد و پیشگیری از وقوع جرم و گناه بوده است. نیروی انتظامی با توجه به این‌که مسئول حفظ آرامش و برقراری نظم و امنیت عمومی می‌باشد و به دلیل مبارزه با آلودگی‌های اجتماعی و مجرمان و بزه‌کاران، مأموران نیروی انتظامی در معرض آسیب‌ها و انحرافات قرار دارند. این مهم، مسئولان و مدیران ارشد را به اندیشه راهکارها صیانت از کارکنان ناجا و پیشگیری از وقوع جرم و گناه بین آنان واداشته است. هدف از نگارش این مقاله تبیین صیانت و پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن کریم و راهکارهای نهادینه کردن آن در بین کارکنان ناجا می‌باشد. روش این پژوهش از نوع بنیادی بوده و به دلیل کیفی بودن بررسی‌ها و مطالعات از روش توصیفی، کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده نموده است.

یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که صیانت قرآنی نظر به پیشرفت و تعالی انسان‌ها دارد و راهنمایی‌های قرآن با هدف جلوگیری از سقوط انسان به ورطه انحراف و جرم است و به همین دلیل خدای متعال در قرآن کریم با شیوه‌های مختلفی پیام قرآن را که شفا، رحمت، موعظه و هدایت برای مؤمنین و خسران برای زیان‌کاران است به انسان‌ها ابلاغ می‌کند. قرآن با دستور به مجازات مجرمان پیشگیری کیفری و جزایی را مطرح می‌سازد. مشخص بودن مجازات برای جلوگیری از وقوع جرم بسیار موثر است چون هم رنج آور است و هم رسواکننده مجرم وقتی این‌گونه قوانین وجود داشته باشد ترس از مجازات می‌تواند مانع عملکرد مجرمان شود. اگر مجرم از عواقب عملش آگاه باشد و بداند که برای تخطی او قانون وضع شده و این قانون بدون هیچ‌گونه سهل‌انگاری اجرا می‌شود، خود را آزاد در انجام هر جرمی نمی‌داند. پس وجود قانون‌های اطلاع‌رسانی و در درجه بعد اجرای قاطعانه قوانین مانعی برای بروز جرم است.

کلیدواژه‌ها: صیانت، پیشگیری، جرم، گناه، نیروی انتظامی، مأموران پلیس.

(۱) کارشناسی ارشد عقیدتی سیاسی.

(۲) کارشناس ارشد علوم سیاسی.

مقدمه

از آن روز که آدم با وسوسه شیطان عصیان کرد: «...فَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» (طه، ۱۲۱) و میوه ممنوعه را خورد و به کیفر این عمل از بهشت رانده شد و در زمین جای گرفت باب گناه گشوده شد و در همان آغاز پسر آدم، قابیل، برادرش هابیل را کشت و بزرگ‌ترین جرم را در روی زمین مرتکب گشت، لذا آفت سعادت انسان که جرم و گناه بود، شکل گرفت، چرا که گناه، ماده وجود آدمی را فاسد و آن را از خاصیت می اندازد. گناهکاران در دنیا نزد مردم بی ارج و ارزش و در آخرت در پیشگاه خدا و صالحان خجل و شرمنده اند. حتی این گروه در برابر وجدان خود احساس خفت و خواری می‌کنند. لذا بر هرکسی که طالب آرامش در برابر وجدان، عزت و سربلندی در میان مردم و سعادت و سرافرازی در محضر خداوند است، لازم است تا جداً از گناه و معصیت دست بکشد و به هیچ وجه مرتکب جرم و جنایت نشود دیر زمانی نیست که اندیشه حقوقی مبتنی بر صیانت و پیشگیری، در میان جوامع علمی و حقوقی کشورهای مختلف رواج یافته است و در این مسیر، پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند؛ اما با نگاهی به آموزه‌های دینی درمی‌یابیم که آنچه امروزه از آن به عنوان صیانت و پیشگیری از وقوع جرم یاد می‌شود در تار و پود پیام‌های آسمانی و رهنمودهای انبیاء و اولیای الهی تنیده شده است؛ تا آنجا که می‌توان رسالت دین را رهایی انسان از تباهی، فساد و گمراهی دانست.

همان‌طور که می‌دانیم صیانت و پیشگیری از جرم، مهم‌ترین و کارآمدترین راه مبارزه با جرم است. از سوی دیگر مبانی، نظریه‌ها و تعاریف برای جرم و بزهکاری؛ ما را به راهکارهایی برای پیشگیری از جرم و گناه رهنمون می‌سازد که از جمله مهم‌ترین منبع آن، گونه جدید پیشگیری قرآنی است که باید پاسخ‌گوی نیازهای امروز و مشکلات ایجاد شده در حوزه جرم و گناه باشد. ما در تحقیق حاضر به دنبال ارائه راهکارهای قرآنی جهت پیشگیری بوده و با استفاده از قرآن کریم که مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع تعلیم و تربیت می‌باشد، روش‌هایی جهت پیشگیری از جرم و گناه از منظر قرآن مجید ارائه، ارزیابی و تحلیل می‌نماییم.

تعریف کلیدواژه ها

۱- صیانت

به معنای حفظ کردن، نگاه داشتن و نگاهداری می‌باشد و به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف آن حفظ سرمایه‌های انسانی سازمان با تقویت عنصر بازدارندگی درونی از طریق ترویج فرهنگ صحت عمل، ارشاد و آگاه‌سازی کارکنان می‌باشد و در جای دیگر صیانت به مجموعه اقدامات، سیاست‌ها و تدابیر متخذه که به منظور حفظ و نگهداری سازمان و کارکنان ناجا در برابر تهدیدها و آسیب پذیری‌ها صورت می‌پذیرد را صیانت یا ملاحظات صیانتی گویند (دستورالعمل اجرایی آیین نامه تشویق فرماندهان، رؤسا و مدیران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات، ۱۳۸۹: ۳).

صیانت مفهوم عامی است که در دین مبین اسلام به آن اهتمام ویژه‌ای شده است و در تمامی احکام مدنظر بوده است و شاید بهترین واژه‌ای که بتواند معنای صیانت را برساند کلمه تقواست. صیانت نوعی پادتن است که فرد به واسطه آن نفس خود را مصونیت می‌بخشد و آینه دل خود را به وسیله آن جلا می‌بخشد. بنابراین برای تداعی بهتر مفهوم صیانت، نیاز است تا با آشنایی با کلمه تقوا به آن پرداخته شود. تقوا و کلمات هم‌خانواده آن در قرآن، به صورت اسمی و فعلی به دفعات زیاد بیان شده است و از جمله کلید واژه‌هایی است که نزدیک‌ترین معنا را با صیانت دارد.

بنابراین صیانت به معنای حفاظت و نگهداری است که اسم فاعل آن (صائن) به معنی نگهدارنده از فساد و اسم مفعول آن (مصون) به معنی درامان شده می‌باشد.

۲- پیشگیری

واژه پیشگیری در مفهوم متعادل آن در معانی «پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است و برابر

مفهوم کلی، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد پیشگیری محسوب می‌شود (نسل: ۳۴-۳۵).

۳- جرم

برابر ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» (ایران‌شاهی، ۱۳۸۹: ۲۷).

۴- گناه

گناه به معنای خلاف است و در اسلام هر کاری که برخلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می‌شود. گناه هر چند کوچک باشد، چون نافرمانی خدا است، بزرگ است (قرآنی، ۶: ۱۳۸۶-۷).

صیانت در قرآن کریم

با توجه به اینکه در قرآن کریم به صورت مستقیم به لفظ صیانت و مشتقات آن اشاره نشده و موارد صیانتی بیشتر به لحاظ محتوا و معنایی می‌بایست از آیات شریفه قرآن استنباط گردد، لذا سعی شده بیشتر واژه‌های مترادف و آیاتی که به لحاظ مفهومی به موضوع مذکور نزدیک‌تر می‌باشد در این قسمت جمع‌آوری شود تا ان شاء الله.. مفید فایده قرار گیرد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱- هدایت و صیانت

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ ما را به راه راست هدایت کن.» (الحمد، ۶)
 «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛ راه کسانی که ایشان را نعمت داده‌ای، نه خشم‌گرفتگان بر آنها و نه گمراهان.» (الحمد، ۷)
 انسان موجودی متفکر و مختار است که کمال او در پرتو تشخیص حق و عمل به آن

است. تشخیص حق از باطل در بین آرای متضارب و مکاتب متقابل و انتخاب احسن آنها بسیار دشوار است؛ چنانکه تطبیق عملی بعد از تحقیق علمی کاری است بسیار سخت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱، ۵۱۴).

صراط مستقیم، محققانی موشکاف می‌خواهد تا وظیفه باریک تر از مو را تشخیص دهند و براساس آن حرکت کنند و این کار از راه رفتن روی لبه تیز شمشیر دشوارتر است. به هر صورت کسی که علمی آن چنان و عملی این چنین دارد در بستر صراط مستقیم است و در سایه صیانت فطرت راستین و رعایت تقوا می‌توان چیزی را که از مو باریک‌تر است در تاریک‌تر از شب تشخیص داد و بر چیزی که از شمشیر تیزتر است در تاریک‌تر از شب به سلامت گذشت (همان).

۲- اقامه نماز و صیانت

«الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛ قطعاً نماز، (شخص نماز گذار را) از زشتی و گناه باز می‌دارد.» (عنکبوت/ ۴۵) «الصَّلَاةُ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ؛ قطعاً نماز، (شخص نماز گذار را) از زشتی و گناه باز می‌دارد» (عنکبوت/ ۴۵). نماز در فرهنگ و حی الهی ستون دین است از این رو از صیانت و مراقبت و سلامت آن به «اقامه» تعبیر می‌شود؛ زیرا ستون، برپاداشتنی است، نه خواندنی. مراد از اقامه نماز، برپاداشتن و احیای نماز در جامعه و به جا آوردن حق نماز با رعایت همه شرایط ظاهری و باطنی آن و عدم اکتفا به شکل ظاهری آن است. امر کردن اهل کتاب به اقامه نماز مسلمانان، نه اصل نماز که حقیقتی مشترک، واحد و تغییرناپذیر در همه ادیان است، گواه مکلف بودن کافران به فروع است، آن چنان که ملزم به پذیرش اصول هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴، ۱۱۰).

۳- عفاف و صیانت

«أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسُ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَابِسُ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ

الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ برای شما در شب‌های ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد، که آنها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید و خدا دانست که شما (در کار مباشرت زنان به نافرمانی و اطاعت شهوت نفس) خود را به ورطه گناه می‌افکنید لذا از حکم حرمت درگذشت و گناه شما را بخشید، از اکنون (در شب رمضان) رواست که با زن‌های خود (به حلال) مباشرت کنید و از خدا آنچه مقدر فرموده بخواهید و بخورید و بیاشامید تا خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را به پایان برسانید تا اول شب و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود دین خداست، زنهار در آن راه مخالفت مپوید! خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید، باشد که پرهیزگار شوند» (البقره/۱۸۷).

در این تشبیه لطیف (تشبیه همسر به لباس)، نکات تربیتی و صیانتی دقیقی است که برخی از آنها بدین شرح است:

۱. لباس عیوب انسان را می‌پوشاند و آبرو را حفظ می‌کند. زن و شوهر نیز باید عیوب هم را بپوشانند و آبروی اجتماعی یکدیگر را حفظ کنند.
۲. لباس، انسان را از گرما و سرما و... حفظ می‌کند. زوجین نیز باید در حوادث تلخ و شیرین و گرم و سرد زندگی، موجبات دلگرمی هم را فراهم کنند.
۳. میان لباس و کسی که آن را پوشیده رابطه‌ای تنگاتنگ و صمیمی است که بیگانه میان آن دو راه ندارد. رابطه زوجین نیز باید چنین باشد تا بیگانه‌ای به درون زندگی آنان راه نیابد که به اسرارشان پی برده، احیانا فتنه‌گری کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹، ۴۶۰).

۴- اعتصام و صیانت

از واژگانی که با «صیانت» نسبت معنوی دارد، واژه «اعتصام» است. اعتصام هم در

مسائل شخصی و فردی موجب صیانت نفس و رهایی از خطیئه می شود و هم باعث رهایی سازمان و جامعه از تشخیص نادرست در ارزش ها شده و ره آورد عصمت جمعی را به همراه دارد. اعتصام و پناه بردن به کسی که معصوم و مصون از خطا و عصیان است، عصمت و خودکنترلی را دربردارد (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۵۵).

مفهوم شناسی اعتصام: «اعتصام» در لغت به معنی اراده نگهداری از خویش و رفع آسیب است که به دلالت التزام چنگ زدن به چیزی است که نگهدار و مدافع انسان در برابر خطر و زیان باشد.

«اعتصام» برگرفتن وسیله حفظ و دفاع، اراده عصمت بخشیدن به خود و حفظ خویشتن از چیزهای زیان بار است. (همان، ص ۱۵۴) صاحب مجمع البحرین گوید: «اعتصام» پناه بردن عاجزانه به خدا از راه اطاعت و بندگی است (طریحی، ۱۳۶۳: ۶، ۱۱۶).

شیخ کبیر علامه قیصری می نویسد: «اعتصام» برگرفته از عصمت و آن نیز ایمنی به وسیله اسمای «عاصم» و «حفیظ» است (ابن سینا، ۱۳۷۷: ۳، ۳۰۷۹).

اعتصام انواع مختلفی دارد که به دو نوع آن اعم از ۱- اعتصام به ریسمان خدا و ۲- اعتصام به ذات اقدس الهی می توان اشاره نمود که در ادامه به توضیحات آن می پردازیم:

۱- به ریسمان خدا: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه های خود را برای شما روشن می کند باشد که شما راه یابید» (آل عمران/۱۰۳).

۲- به ذات اقدس الهی: «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ؛ و در راه

خدا کارزار کنید چنان که سزاوار کارزار کردن برای او است و شما را برگزید و در این دین برای شما دشواری ننهاده آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش و هم در این قرآن مسلمان نام داد تا این پیغمبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز گزارید و زکات دهید و به خدا تکیه کنید که او مولای شما است و چه خوب مولا و چه خوب یآوری است» (الحج/۷۸).

از واژگانی که با «صیانت» نسبت معنوی دارد، واژه «اعتصام» است. اعتصام هم در مسائل شخصی و فردی موجب صیانت نفس و رهایی از خطیئه می شود و هم باعث رهایی سازمان و جامعه از تشخیص نادرست در ارزش‌ها شده و ره آورد عصمت جمعی را به همراه دارد. اعتصام و پناه بردن به کسی که معصوم و مصون از خطا و عصیان است، عصمت و خودکنترلی را دربردارد (سید تاج‌الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۵۵).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی اعتصام معلوم می شود که اعتصام وسیله ایمنی بخش برای نجات از عوامل تهدید کننده و آسیب زا است. راه برون رفت از اسارت دنیا و سقوط در سیاه چال طبیعت، درگرو اعتصام به ریسمانی است که یک سر آن در دست خداوند عاصم و سر دیگرش در دسترس انسان معتصم است. نکته قابل ذکر این که اعتصام به معنای گرفتن و چنگ زدن به چیزی است که خودش ایمن بوده و به گیرنده اش ایمنی و آرامش ببخشد. پس «معتصم به» باید «مصون» و «معصوم» باشد تا «صائن» و «عاصم» دیگران گردد. هم نلغزد و هم لغزش دیگران را بگیرد (همان: ۵۶).

۵- محکم کاری و صیانت

در آیات ۲۸۲، ۲۸۴ و ۲۸۳ سوره مبارکه بقره در خصوص این موضوع چنین بیان شده است:

" ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید. و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد. و کاتب نباید که در

نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند و مدیون باید که بر کاتب املاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نگاهد. اگر مدیون سفیه یا صغیر بود یا خود املاء کردن نمی‌توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند و دو شاهد مرد به شهادت گیرد. اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد. و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید که از شهادت خودداری کنند و از نوشتن مدّت دین خود، چه کوچک و چه بزرگ، ملول مشوید. این روش در نزد خدا عادلانه‌تر است، و شهادت را استواردارنده‌تر و شک و تردید را زایل‌کننده‌تر و هر گاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسید مرتکب گناهی نشده‌اید و چون معامله‌ای کنید، شاهدهی گیرید و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسند، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. از خدای بترسید. خدا شما را تعلیم می‌دهد و او بر هر چیزی آگاه است» (البقره/۲۸۲).

"هرگاه در سفر بودید و کاتبی نیافتید، باید چیزی به گرو گرفته شود و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کس که امین دانسته شده امانت را بازدهد و باید از الله، پروردگارش بترسد و شهادت را کتمان نکنید. هر کس که شهادت را کتمان کند، به دل گناهکار است و خدا از کاری که می‌کنید آگاه است» (البقره/۲۸۳).

"از آن خداست هر چه در آسمان‌ها و زمین است. آنچه را که در دل دارید خواه آشکارش سازید یا پوشیده‌اش دارید، خدا شما را بدان بازخواست خواهد کرد. پس هر که را که بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خدا بر هر کاری تواناست» (البقره/۲۸۴).

در آیات گذشته، مؤمنان به انفاق تشویق، از ربا منع، به امهال ترغیب و از استعجال و تحمیل فشار، ترهیب و منع شدند. در این آیه کریمه (۲۸۲)، در ادامه بیان مسائل مالی اسلام، خدای سبحان مؤمنان را به نوشتن و شاهد گرفتن بر داد و ستدها، به ویژه معاملات که یک طرف آن نقد (عین) و طرف دیگرش نسبه (دین مدت‌دار) است، رهنمون می‌سازد.

تأکید بر ثبت این گونه معاملات و تنظیم سند معتبر و نیز شاهد گرفتن از آن روست که این کار افزون بر صیانت از اموال و رعایت حقوق طرفین، بهترین راه برای جلوگیری از اختلاف، سوء استفاده، خیانت، کلاه برداری و... است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲، ۶۱۴).

۶- تقوا (صیانت)

۱ - «اتقاء» یعنی وقایه، تقوا برحسب لغت، مطلق صیانت و نگهداری هر چیزی از هر امر ناپسند را شامل می شود، خواه ناپسند بودن آن، شرعی باشد یا عرفی. و اعم از آن که دلیل آن عقلی باشد یا نقلی. همچنین عبارت است از توجه به حق و جریان طبیعی و روال عادی عمل. چنان که فجور در مقابل تقوا قرار دارد:

«فألهمها فجورها وتقویها؛ پس فجور و تقوای نفس را به او الهام کرد» (الشمس ۸).

دریدن این اعتدال و خارج شدن از جریان طبیعی و روال، متعارف است. «والتقوی تختلف خصوصياته باختلاف الموارد والجامع هو صيانة الشيء عن المحرمات الشرعية والعقلية والتوجه إلى الحق وإلى تطهير العمل والى الجريان الطبيعي المعروف و...» (التحقیق، «وقی»)

بنابراین، تلاش برای حفظ اعتدال و خارج نشدن از جریان طبیعی و روال متعارف که با اطاعت از اوامر و نواهی الهی تحقق پیدا می کند، همان تقوا، صیانت و سپر گرفتن است. همان گونه که مواظبت بر اوامر و نواهی عقلی و عرفی چنین است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۹۳). از این جهت امام صادق (ع) فرمود: تقوا آن است که خدا تو را در واجبات و اوامر خودش حاضر و در منهیات و محرّمات خود غایب ببیند؛ «أن لا یفقدک الله حیث أمرک ولا یراک حیث نهاک» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷، ۲۸۵).

بدین ترتیب تقوا، عصاره و خلاصه تمام فضایل و پرهیز از هرگونه رذیلت است. در نتیجه می توان گفت: علم تقوا در حقیقت علم هرگونه فضیلت و به عبارت دیگر مرز ارتکاب حلال و اجتناب حرام است و این، همان است که در زیارت حضرت علی (ع) از آن حضرت به عنوان میزان اعمال یاد شده است: «السلام علی میزان الأعمال» (همان، ۹۷، ۲۸۷).

شیوه های صیانت

همان طور که در معنا و مفهوم صیانت گفتیم صیانت عبارت است از حفاظت و نگهداری، خویشتن داری و بازداشتن خویش از امور ناگوار و ناشایست و هراس انگیز که می تواند از نوع شر و آفات مادی و محسوس همچون آتش، زلزله و ... باشد و نیز می تواند در امور معنوی که در عرف مردم و یا در فرهنگ قرآن ناپسند است، باشد مانند: ظلم و ستم، گناه و معصیت، خیانت، خبثت، شرک و ... لذا برای اجرایی نمودن صیانت نیاز به روش هایی می باشد تا به وسیله آن بتوان در رسیدن به نتیجه مطلوب و مورد نظر که هدف و غرض اصلی از صیانت است دست یافت که این شیوه ها را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- شیوه علمی

عبارت است از افزایش شناخت و آگاهی نسبت به باورها، اعتقادات و رشد و تعالی عملی آنها که محصول آن شناخت صحیح و آگاهانه از معارف و حقایق دینی است. هرچه انسان بتواند مطالعات دینی خود را در این زمینه بالا برده و با برهان و استدلال عقلی، اصول دین را برای خود اثبات نماید به همان میزان انحراف او در عمل کاهش می یابد. همچنین تدبیر و تامل در آیات الهی موجب تقویت محبت الهی گردیده و عاملی موثر در نتیجه نهایی آن که ایمان به خداوند متعال است می باشد.

راه های صیانت در حوزه نظری و علمی می تواند به شرح ذیل باشد:

- ۱- راه یابی به مرتبه عقل عارف و نفس عزوف؛
- ۲- راه یابی به مقام اخلاص و مرتبه مخلصین؛
- ۳- مراقبت از خود؛
- ۴- ذکر و یاد خدا؛
- ۵- یقظه، بیداری و تفکر؛



۶- تأمل در زندگی موقت دنیوی؛

۷- تدبیر در احادیث معصومین (علیهم السلام) تأمل در این آثار عزت دنیوی و اخروی را به همراه دارد؛

۸- بررسی و مطالعه موانع نظری صیانت؛

۹- باور مبدأ و ایمان به غیب (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۱۳۹۱: ۲۶۳-۲۶۲).

۲- شیوه عملی

عبارت است از افزایش تلاش و کوشش در حوزه عمل به دستورها و فرمان‌های الهی است و انجام وظایف انسانی که همان راه رسیدن به مقصود و دفع خطر انحراف‌ها که ابتلا به هرگونه ناپاکی، گناه، معصیت، خطا و لغزش می باشد و مبارزه با عادت‌هایی که مانع رشد انسان در عمل هستند و نیز مبارزه مستقیم با خود گناه و ترک و جبران آن، پرهیز از مجالست و همنشینی با اهل گناه و فساد و محاسبه از عملکرد بد و انجام اعمال خیر، نیک و صحیح که دربرگیرنده وجود و شخصیت انسانی می باشد که به شرح ذیل می باشد:

- تذکر و بیدار کردن شعور باطنی و فطرت درونی:

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛ پس تو ای پیامبر ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همین تذکر است.» (الغاشیه/۲۱).

«لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ و گرنه تو بر آنان تسلطی نداری، تذکر را هم تنها به کسانی بده که تذکر پذیرند.» (الغاشیه/۲۲).

- موعظه نیکو:

موعظه سخنی است که دل را نرم می سازد، رقت قلب ایجاد می کند، انسان را تسکین می دهد. آدمی را از هوا و هوس‌های نفسانی آگاه ساخته و او را وامی دارد تا با آنها به مبارزه برخیزد. موعظه، دل را از کدورت‌ها تهی می سازد و به آن صفا و پاکی می بخشد.

قرآن کریم موعظه‌ای را می‌پذیرد که حسنه باشد یعنی موعظه‌ای که بتواند منشاء اثر واقع شود چنین موعظه‌ای از شرایطی چند برخوردار است که از جمله آن این است که خود گوینده به آن چه که می‌گوید عمل کند و سخنی را که بر زبان جاری می‌سازد خود به آن ایمان داشته و اثر آن در اعمال و رفتارش مشاهده شود آن موعظه‌ای می‌تواند در قلب فرد تاثیر گذارده و وی را دگرگون سازد که در خلق و خو و رفتار گوینده آن متجلی شود.

– تبشیر و انذار

" و ما پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به مردم مژده دهند یا بیم و کافرانی که می‌خواهند به نیروی باطل، حق را از میان ببرند جدال می‌کنند و آیات و هشدارهای مرا به ریشخند می‌گیرند" (الکهف، ۵۶).

کسانی که ایمان آورده و کارهای صالح کرده‌اند نویدشان ده که بهشت‌ها در پیش دارند که جوی‌ها در آن روان است و چون میوه‌ای از آن روزیشان شود بگویند این همان است که قبلا روزی ما شده بود، و نظیر آن به ایشان بدهند، و در آنجا همسران پاکیزه دارند و خود در آن جاودانند. (البقره، ۲۵).

– بیان قصص گذشتگان در حفظ و نگهداری از عمل:

" اگر خواسته بودیم به سبب آن علم که به او داده بودیم رفعتش می‌بخشیدیم، ولی او در زمین بماند و از پی هوای خویش رفت. مثل او چون مثل آن سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی باز هم زبان از دهان بیرون آرد. مثل آنان که آیات را دروغ انگاشتند نیز چنین است. قصه را بگوی، شاید به اندیشه فروروند" (الاعراف، ۱۷۶).

هدف قرآن از بیان این داستان‌ها تفکر، عبرت گرفتن، صیانت و جلوگیری از انحراف‌ها، برطرف کردن اختلاف‌ها و آگاه کردن مردم از سنت‌های الهی در مقابل کارهای خیر و شر می‌باشد.

روش های پیشگیری از جرم و گناه از دیدگاه قرآن کریم

با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه جرم و گناه و بررسی ماهیت، علت ها و عوامل آن که در این تحقیق نیز به آن اشاره می شود روش هایی نیز تاکنون جهت پیشگیری از جرم و گناه ارائه گردیده است؛ اما متأسفانه تاکنون علی‌رغم بکارگیری آنها، موجب پیشگیری کامل و یا درمان کلی جرم و گناه نبوده است، بر این اساس تامل و نگاه اصولی به مکتب اسلامی جهت ارائه راهکارهای جدید و به روز، نیازمند بازبینی اصولی در منابع پژوهشی اسلامی است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

۱- اعتقاد به توحید

ایمان به خدا و یاد او و اعتقاد به حضور او در همه جا ایمان به خدا و یاد او در همه حال و اعتقاد به این که همه ما در محضر خدا هستیم، از اساسی‌ترین اهرم های بازدارنده از گناه است، اثر و نقشی که این عقیده در کنترل انسان و سرکوب طغیان غرایز حیوانی دارد، هیچ چیز چنین اثر و نقشی را ندارد و قدرت ایمان به خدا و یاد او، در ریشه کن نمودن گناه، از همه قدرت ها نیرومندتر است. سازمان های پلیسی و مؤسسات اصلاحی با فقدان ایمان و تکیه گاه معنوی، هرگز نمی‌توانند در اصلاح فرد و جامعه توفیق یابند. ایمان به خدا و اعتقاد به آگاهی او بر همه چیز و حضور او در همه جا در انسان آن چنان نیرویی در برابر گناه به وجود می آورد که او را هم چون سپر فولادین و نفوذناپذیر در برابر گناهان می‌کند. سازمان‌های پلیسی و مؤسسات اصلاحی، هر چند قوی و گسترده باشند قادر بر جلوگیری از گناهان مخفی نیستند و هرگز نمی‌توانند نقش ضامن اجرا در کنترل گناهان در خلوت را که شامل بخش وسیعی از گناهان می‌شود داشته باشند ولی ایمان درونی می‌تواند نقش خلل ناپذیری در بازداری انسان از گناهان آشکار و پنهان ایفا کند، بر همین اساس در آیات و روایات، بر ایمان، برای بازداری از گناه بسیار تکیه شده است:

به عنوان نمونه در آیه ۱۴ سوره علق می‌خوانیم: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند؟»

و در آیه ۱۴ سوره فجر می‌خوانیم: «إِنَّ رَبَّكَ لِبَالِمِرْصَادٍ»؛ قطعاً پروردگار تو در کمین گاه است.»

و در آیه ۱۹ سوره غافر می‌خوانیم: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»؛ خداوند چشم‌هایی را که به خیانت گردش می‌کند می‌داند و بر آنچه در سینه‌ها پنهان است آگاه می‌باشد.»

۲- اعتقاد به معاد

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعُ الْعُرُورِ؛ همه‌کس مرگ را می‌چشد و به تحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به کمال خواهند داد و هرکس را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند به پیروزی رسیده است و این زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست» (آل عمران، ۱۸۵).

قرآن یک کتاب انسان‌سازی و تربیت است و در این مسیر می‌بینیم قرآن قسمت مهمی از مسائل تربیتی را از طریق ایمان به معاد و توجه به حساب و کتاب قیامت، تعقیب می‌کند. قرآن حدود ۴۰۰ بار از مسأله معاد و خصوصیات آن سخن به میان آورده است. بیش از یک ششم قرآن انسانها را به سوی معاد و یاد روز رستاخیز و حساب و کتاب قیامت دعوت می‌نماید.

۳- اقامه نماز

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»؛ و نماز را برپای دارید و زکات بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.» (البقره، ۴۳)

خدای سبحان بعد از ترغیب اهل کتاب به حسن فاعلی، یعنی ایمان به معارف الهی و مآثر آسمانی، آنان و نیز دیگر مخاطبان را به حسن فعلی، یعنی تحکیم پیوند عملی با خدا (نماز) و توثیق ارتباط اقتصادی با مستمندان (زکات) و حفظ وحدت و شکوه امت اسلامی در نماز جماعت و مانند آن تشویق می‌کند.

مهم‌ترین و بارزترین اثری که برای نماز بر می‌شمرند، اثر باز دارندگی و دوری از گناه است. نماز به عنوان یک عامل تربیتی و هویت‌ساز، نمازگزار را به سوی درستی

و صحت سوق داده و قوه تشخیص او را در تمییز بین صواب و خطا بارور می‌سازد و در او ملکه‌ای به وجود می‌آورد که در هنگام گناه به او هشدار می‌دهد و او را متوجه پروردگار می‌سازد و از ارتکاب معصیت دور می‌کند.

۴- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ حیات انسان دارد. نخستین انسان دعوت کننده به نیکی، آدم بود و پس از وی نیز پیام آوران وحی و پیروان آنان در انجام این وظیفه مهم تلاش کرده‌اند. حضور این رادمردان در صحنه تحولات اجتماعی به اندازه‌ای چشمگیر است که می‌توان گفت همه حرکت‌های اصلاحی و دگرگونی‌های سازنده در جوامع بشری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر آنان تحقق یافته است. اسلام نیز از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها بازدارند. تأکیدهای مکرر قرآن مجید در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیتی است که اسلام برای سالم سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل شده است. اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر تا بدانجاست که سایر فرائض و دستورهای اسلامی در پرتو اجرای آن برپاداشته می‌شود و جامعه اسلامی محقق می‌گردد؛ از این رو هرگاه در جامعه‌ای این فریضه مهم به اجرا گذاشته نشود و افراد در قبال پیاده شدن این امر خطیر احساس مسئولیت نکنند مرگ آن جامعه حتمی خواهد بود. قیام امام حسین (ع) نیز برای این اجرای این دو فریضه الهی بود.

راه کارهای نهادینه کردن صیانت و پیشگیری بین کارکنان ناجا

۱- شناخت جرایم شایع و علل و عوامل وقوع آن‌ها در بین کارکنان ناجا

پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود جرم است و در این راستا باید اولین وظیفه انجام تجزیه و تحلیل نظام‌مند جرم باشد چراکه جرم می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع

آن در آینده باشد. در کشور ما نه تنها پژوهش های منظم و عالمانه جهت شناختن عوامل و مؤلفه های اجتماعی جرم زا بیش از پیش ضروری احساس می شود بلکه اساساً برای تبیین مفهوم خود جرم نیز باید اقدامات اساسی تری صورت پذیرد.

۲- آسیب شناسی مشاغل کارکنان

یکی از عمده ترین مسائلی که در رابطه با نیروی انسانی و سازمان ها مطرح است، مفهوم تهدیدات اخلاقی کارکنان یا آسیب های اداری می باشد. تهدیدات اخلاقی کارکنان یا آسیب های اداری به عنوان یکی از عمومی ترین اشکال تهدید و آسیب نیروی انسانی، پدیده ای است که مرزهای زمان و مکان را درنور دیده و با این ویژگی نه به زمان خاصی تعلق دارد و نه مربوط به جامعه خاصی می شود، به بیان دیگر از زمانی که فعالیت های بشر دارای شکل سازمان یافته و منسجمی شد آسیب های سازمانی و تهدیدات اخلاقی کارکنان همچون جزء لاینفکی از متن سازمان بروز کرد، بنابراین می توان چنین اذعان نمود که آسیب های سازمانی و تهدیدات اخلاقی، فرزند ناخواسته سازمان ها و دستگاه ها قلمداد می گردند که در نتیجه تعاملات و عوامل گوناگون در درون سازمان به وجود آمده اند. این معضلات همواره به عنوان چالش هایی پیش روی مدیران سازمان ها تلقی می شود که به دلیل عدم کنترل سازمان بر علل پیدایش آنها، طبیعتاً کنترل شان نیز بسیار دشوار می باشد. علاوه بر این آسیب های سازمانی و تهدیدات اخلاقی مستقیماً بر کارایی نظام اداری، مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام فرهنگی و اجتماعی آثار نابهنجاری برجای خواهد گذاشت.

آسیب سازمانی عبارت است از: عدم رعایت قوانین، مقررات، ضوابط، آیین نامه ها و قراردادهای جمعی از سوی هریک از کارکنان در هر جایگاه سازمانی به صورت عمد یا غیر عمد که به نوعی پیامدهای ناگوار به همراه دارد.

آسیب سازمانی یا اداری عبارت است از: اقدامات مأموران دولتی با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال دریافت مزد برای خود یا اشخاص

دیگر که از طرق زیر انجام می‌پذیرد: نقض قوانین، مقررات و ضوابط اداری، تغییر در قوانین، مقررات و ضوابط اداری، خودداری، کندکاری یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی در قبال ارباب رجوع، تسهیل یا تسریع غیرعادی در انجام کار برای اشخاص معین در مقایسه با دیگران، اقدامات اشخاص حقیقی یا حقوقی با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود یا اشخاص دیگر یا در قبال دریافت مال به ماموران دولت که به منظور برخورداری از مزایا و امتیازات از راه های ناصحیح انجام می‌پذیرد.

۳- تربیت دینی کارکنان

تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران است و در نظام اسلامی متعالی‌ترین هدف تلقی می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز هدف اصلی رسالت خود را به کمال رساندن خلق‌های کریم و منش‌های بزرگووارانه معرفی کرده است (فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۱۷). براین اساس اسلام از یک سو دین هدایت و تربیت است و از سوی دیگر یکی از جنبه‌های زندگی انسان جنبه تربیتی اوست تا توانایی‌ها و استعدادهای خود را شکوفا کند، لذا هنگامی که تربیت با فطرت هماهنگ باشد باعث رشد انسان می‌شود در غیر این صورت وقتی تربیت فطری نباشد به جای رشد دادن استعدادهای عالی فطری، غرایز، امیال و شهوات انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد (رحمان دوست، ۱۳۸۵: ۱۵). لذا هرچه ایمان تقویت شود، توان پیشگیری از گناه- از جمله گناهان جنسی- افزایش می‌یابد.

۴- تقویت صیانت نفس

موانع عملی صیانت نفس عبارتند از: هوس مداری، کمین‌گاه‌های شیطان، بازی‌گری و دنیاگرایی. برای عبور از این موانع، رعایت موارد زیر توصیه می‌شود:

- ۱- پاسداری حریم شریعت؛ ۲- پرهیز از لغزشگاه‌ها؛ ۳- مشارطه، مراقبه و محاسبه؛ ۴- جهاد اکبر؛ ۵- عمل بر خلاف خواسته نفس؛ ۶- انتخاب دوستان خردمند و مشفق؛ ۷- حسن استفاده از انتقاد دشمنان خردمند؛ ۸- نصیحت پذیری و حق‌گرایی؛ ۹- اطاعت از عقل و نقل؛ ۱۰- حذر از تعلق

به دنیا؛ ۱۱- ذکر یاد مرگ و معاد؛ ۱۲- انجام حسنه بلافاصله پس از ارتکاب سیئه؛ ۱۳- تجهیز به سلاح تقوا؛ ۱۴- روزی حلال؛ ۱۵- ثبات قدم و استقامت؛ ۱۶- عفت چشم؛ ۱۷- عفت زبان؛ ۱۸- عفت گوش؛ ۱۹- عفت دست؛ ۲۰- عفت پا؛ ۲۱- عفت شکم؛ ۲۲- عفت جنسی؛ ۲۳- عفت فکر و دل؛ ۲۴- روزه، امساک و اعتکاف؛ ۲۵- ازدواج؛ ۲۶- استعاذه و توسل به بارگاه الهی؛ ۲۷- آراستگی به مناعت طبع؛ ۲۸- تقویت حیا در خود؛ ۲۹- عبرت گرفتن؛ (سید تاج الدینی؛ مجرد، ۲۶۶: ۱۳۹۱-۲۶۳).

۵- آموزش مهارت‌های حرفه‌ای

در این راستا باید به این نکته اذعان داشت که معنای بینش، وسیع تر و عمیق تر از دانش و آموزش است، بینش غالباً به معنای نوعی جهان بینی و ژرف نگری در مسائل مورد مطالعه است. به عنوان مثال به نظر می‌رسد تأثیر روزی حلال بر اخلاقیات و ارزشمندی زندگی، نزد همگان روشن نیست و غالباً از چنین معنایی غافلند. در این صورت طرح مسائلی که ماهیتاً آموزشی و توجهی بوده و هدف اصلی آن نشان دادن اقتصاد سالم و تأثیر آن در مناسبات انسانی و ارتباط‌های اجتماعی می‌تواند مد نظر قرار گیرد؛ بنابراین از جمله راهکارهای ضروری در صیانت کارکنان به روز بودن علم پلیس می‌باشد.

۶- تأمین نیازهای کارکنان

از جمله عوامل مؤثر در صیانت و پیشگیری از جرم و گناه می‌بایست (رضایت شغلی، انگیزه شغلی، فرصت‌های سازمانی، سبک مدیریت سازمانی و درک عدالت سازمانی کارکنان)، آسیب‌ها و راهکارهای اجرایی درخصوص تأمین نیازهای کارکنان را برشمرد.

۷- انتخاب فرماندهان و مدیران شایسته برای الگوسازی

در قرآن در آیات متعدد با ذکر قصه‌هایی عبرت آمیز که هرکدام می‌تواند الگو و نمونه‌های پرورشی مناسبی باشد بدین لحاظ که موارد خوب آن مدنظر قرار گرفته و الگوهای نامناسب کنار گذاشته شود انسان را به تفکر واداشته تا با انتخاب الگوی شایسته به سوی رستگاری و سعادت گام بردارد. سه کلمه مهم و حساس در قرآن است که



تکلیف یک فرد، به طور عام و یک فرمانده را به طور خاص روشن می‌سازد:

۱- شاهد: قرآن، رسول گرامی (ص) را شاهد معرفی می‌کند:

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» [ای پیامبر] ما تو را [به سمت] گواه و بشارت‌گر و هشداردهنده‌ای فرستادیم» (الفتح/ ۸).

غرض از شاهد آن کس است که الگو باشد. فرمانده باید شاهد باشد آن چنان که در میان جمع مردم اوضاع و احوال او را ببینند و بخواهند شیوه کار و عمل او را نمونه قرار دهند.

۲- شهید: در زبان قرآن، غرض «آن کسی که می‌تواند نمونه و گواه باشد» و آدمی عمل و رفتار خود را با او بسنجد یا عمل و رفتار خود را بر اساس او نمره دهد.

" و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است.» (البقره، ۱۴۳) " و پیامبر (ص) برای شما نمونه و الگو باشد.

شاگرد اول یک کلاس برای اهل کلاس نمونه است؛ معلم، نمره همگان را بر اساس او می‌دهد؛ اگر نمره او بیست باشد، نمره دیگران معلوم می‌شود. فرمانده یک قسمت، نمره بیست کلاس سازمان خود اوست و نمره دیگران براساس او تعیین می‌شود.

نکته: لغت «میزان» جمع آن (موازین) در قرآن به معنی «شهید و نمونه» است. قرآن سخن از این دارد که در روز قیامت، موازین را به محشر آورند و با آن افراد را بسنجند. و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهمیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم» (الانبیاء/ ۴۷).

امام صادق (ع) فرمود: «میزان ماییم». یعنی در روز قیامت، مردم را در بعد عملی و حساب، بر اساس ما می‌سنجند؛ خداوند در قیامت به ما نمره عمل می‌دهد و آن گاه مردم

بر اساس نمره ما، نمره می‌گیرند. (مجمع البیان، ذیل آیه بالا).

۳-اسوه: به معنای وجودی است که رفتار، گفتار و کردارش آن قدر زیبا و به صواب باشد که دیگران خواستار تاسی از او و اقدام کننده به عمل و رفتار او باشند. خداوند در قرآن، پیامبرش را در خور تاسی ذکر می‌کند (قائمی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

قطعاً برای شما در [افتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند (الاحزاب، ۲۱).

در صورتی که انتخاب مدیران نه براساس رابطه بلکه براساس ضابطه و با محورشایسته سالاری انجام گیرد و مدیران به معنای واقعی پاسخگویی رویدادهایی می‌باشند که در مجموعه تحت نظارتشان واقع می‌شود. در این صورت، حذف رشوه و جرم‌هایی از این قبیل از دستگاه اداری کشور کار دشوار و پیچیده‌ای نخواهد بود.

۸- نظارت و واپایش

یکی از مسائل بسیار مهم در نهادینه کردن صیانت و پیشگیری در بین کارکنان ناجا مسئله نظارت و واپایش است. در اسلام موضوع نظارت در همه سطوح و آحاد مردم جامعه از رده بالای نظام اسلامی تا پایین ترین رده مورد توجه قرار گرفته است.

مهم ترین سطح آن نظارت عالی خدای سبحان است که تمام اعمال، حرکات و سکنتات و حتی نیت‌های آدمیان را مورد ثبت، ضبط و رسیدگی دقیق قرار می‌دهد. تعبیر قرآن کریم در آیه‌های ۷ و ۸ سوره زلزال (مثقال ذره) است.

پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید (الزلزال / ۸-۷).

در این سطح نظارت نامریی الهی وجود دارد. هرچه میزان ایمان و اعتقاد انسان‌ها در جامعه اسلامی بیشتر باشد، تقوا یا خودپایی فرد نیز بیشتر می‌شود.

نتیجه گیری

مفهوم جرم از منظر قرآن با مفهوم جرم در حقوق جزا و جرم شناسی متفاوت است. جرم در حقوق جزا هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. اما می توان از مفهوم لغوی و اصطلاحی واژگان به کار رفته در آیات قرآن برداشت کرد که جرم عبارت است از ارتکاب فعل حرام و ترک افعالی واجب که نتایج زیان بار آن متوجه فرد و جامعه می شود و این فعل و ترک فعل مستوجب عقوبت دنیوی یا اخروی می باشد. تعریف ارائه شده در فقه اسلامی برای جرم که توسط فقهای اسلامی و مدت ها بعد از نزول آیات قرآن ارائه شده منطبق با این نتیجه گیری است.

سیاست قرآن در صیانت و پیشگیری از جرم و گناه را می توان دارای سه جنبه زیر دانست. الف) قرآن در سیاست اصلاحی خود با پرورش روحیه دین باوری و دین داری به تعالی معنوی انسان کمک می کند. از جمله امور مؤثر در این راه: ۱- علم به حقایق و معارف (نجم، ۲۸) ۲- اعتقاد به علم نامحدود الهی (المائده، ۷ و ۸، التوبه، ۱۶) ۳- ایمان و التزام عملی به توحید در عبادت (الزمر، ۲، البینه، ۵) ۴- ایمان به معاد و دادگاه عدل الهی (الفتح، ۶، الفاطر، ۳۶، یونس، ۹) می توان نام برد.

قرار دادن احکام و مقررات پیشگیرانه: این احکام در قالب واجبات و محرمات مطرح شده است که یکی از واجبات نماز است که در قرآن به عنوان جلوگیری کننده از فحشا و منکر بیان شده است (العنکبوت، ۴۵، المائده، ۱۲، التوبه، ۱۸). یکی دیگر از احکام پیشگیرانه، روزه داری است (البقره، ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵، النسا، ۹۲، المائده، ۹۵) و دیگری امر به معروف و نهی از منکر است که افراد باید مراقب اعمال یکدیگر بوده و در ترویج فضائل و جلوگیری از وقوع جرائم تلاش کنند (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰، التوبه، ۷۱، الحج، ۴۱، اسرا، ۸۴، المومنون، ۵۳).

ب) در مرحله بعد قرآن با پیشگیری وضعی وقوع جرم را ممتنع می کند یا آن را کاهش می دهد. در اینجا وضعیتی ایجاد می شود که مجرم از محقق کردن قصد خود ناتوان شود مثل حفاظت از اموال و افراد. همچنین عواملی که باعث تحریک افراد به ارتکاب جرم

می‌شود از بین می‌رود. از این منظر، بزه‌دیده سنگ‌بنای صیانت و پیشگیری را تشکیل می‌دهد، بنابراین با اقداماتی همچون آموزش‌های خاص به بزه‌دیدگان و تدابیر فنی و... می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد.

از جمله مواردی که در قرآن کریم منطبق با پیشگیری وضعی است، توصیه به طلبکاران مبنی بر گرفتن سند یا شاهد هنگام پرداختن وجه یا مال به دیگران است که در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده و این اقدام از کلاهبرداری، خیانت در امانت و از انکار بعدی، جلوگیری می‌کند و همچنین ایجاد مانع در برابر مجرمان و زورمندان و ساخت حفاظ «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لْتُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؛ و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند.» (انبیاء/۸۰)، «...وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ...» و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند و پیراهن‌هایی که به هنگام جنگ حفاظ شماست.» (نحل، ۸۱) (الکهف، ۱۸، حدید، ۱۳) و ساخت سد توسط ذوالقرنین برای جلوگیری از نفوذ یاجوج و ماجوج «...وَفَأَعْيُونِي بِقُوَّةٍ أِجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا؛ مرا با نیرویی یاری دهید تا میان شما و آن‌ها سد محکمی قرار دهم.» (کهف/۹۵)

پس می‌توان گفت که در پیشگیری وضعی، هدف اصلی حفاظت از بزه‌دیده است ولی در پیشگیری کیفری و اصلاحی، محور اقدامات، مجرم است.

ج) قرآن با دستور به مجازات مجرمان پیشگیری کیفری و جزایی را مطرح می‌سازد. مشخص بودن مجازات برای جلوگیری از وقوع جرم بسیار مؤثر است چون هم رنج آور است و هم رسواکننده مجرم «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (المائدة، ۳۳).

وقتی این‌گونه قوانین وجود داشته باشد ترس از مجازات می‌تواند مانع عملکرد مجرمان شود. زیرا طبق قواعد اصولی عقاب بلابیان از جانب شارع مقدس قبیح است «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا



بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بَكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (التوبه، ۱۱۵)

و «...وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، ۱۵) اگر مجرم از عواقب عملش آگاه باشد و بداند که برای تخطی او قانون وضع شده و این قانون بدون هیچ گونه سهل انگاری اجرا می شود، خود را آزاد در انجام هر جرمی نمی داند پس وجود قانون های اطلاع رسانی و در درجه بعد اجرای قاطعانه قوانین مانعی برای بروز جرم است.

در صیانت قرآنی همانند جرم شناسی، کیفر به عنوان راه حل ارائه نگردیده است و صرفاً به عنوان آخرین راه حل در موارد مهمی چون قتل و جرح، جرائم علیه اشخاص، زنا و تهمت زنا، که نسل را مختل می کند و حرمت اموال و مالکیت متزلزل می شود مطرح می گردد.

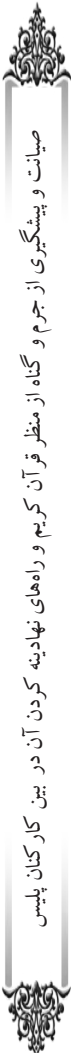
صیانت قرآنی نظر به ارتقاء و تعالی انسان ها دارد و هدایت های قرآن با هدف جلوگیری از سقوط انسان به ورطه انحراف و جرم است و به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم با شیوه های مختلفی پیام قرآن را که شفا، رحمت، موعظه و هدایت برای مومنین و خسران برای زیان کاران است به انسان ها ابلاغ می کند. ایجاد سوال، واداشتن به تفکر، برهان و جدل، ارائه مثل، ارائه الگو، تشویق و توبیخ و استفاده از تکرار برای مخاطبان مختلف خود (عموم، مؤمنان، پیامبران، کافران) از شیوه های پیام رسانی است که در قرآن کریم مشاهده می گردد.

کارایی عملی آموزه های قرآنی ارتباط مستقیم با حاکمان و حکومت صالح در جامعه ای اسلامی است چه اینکه حاکمیت ناصالح می تواند با استفاده از آموزه های قرآنی و تفاسیر منطبق با آنچه برای بقای حکومت خود می خواهند و یا براساس کج فهمی های دینی همین آموزه ها را پایه ای برای کارکردهای استبدادی قرار دهند گرچه نام اسلام را نیز برای حاکمیت در کنار خود داشته باشند.



پیشنهادها

- ۱- تقویت عوامل نظارتی و بازدارنده هوشمند اعم از نیروی انسانی مجرب و متعهد و تجهیزات الکترونیکی در برخی از امور حساس و افزایش بازدیدهای غیرمترقبه و انجام بازرسی مستمر غیرمحسوس توسط بازرسی کل ناجا.
- ۲- تعریف، تأمین و تخصیص بودجه مناسب جهت زمینه یابی‌های مؤثر نسبت به انجام بهینه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی و ارزیابی دقیق باز خورد اجرایی آن و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر توسط معاونت طرح و برنامه و معاونت اجتماعی ناجا.
- ۳- ارتقای سطح مالی و معیشتی کارکنان با افزایش حقوق و مزایا و تصویب قوانین لازم در این خصوص و اتخاذ تدابیر حمایتی به منظور رفع مشکلات مالی و معیشتی کارکنان ناجا توسط معاونت نیروی انسانی ناجا.
- ۴- افزایش برنامه‌های آموزشی در راستای صیانت و پیشگیری از جرایم شایع برای کارکنان ناجا.
- ۵- از آنجا که در متون درسی جایگاه خاصی برای آموزش‌های حقوقی و نیز آموزش‌های لازم برای پیشگیری از انحراف‌ها بر اساس آموزه‌های قرآنی قرار داده نشده است؛ در این راستا معاونت تربیت و آموزش ناجا می‌بایست برنامه ریزی‌های موردنیاز را با استفاده از کارشناسان مجرب برای دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی و مراکز آموزش ناجا تهیه و تدوین نماید.
- ۶- شناخت علل نخستین مسئله درباره علل و انگیزه‌های لغزش و عواملی که انسان را بدان جهت سوق می‌دهد. باید دید در خانواده، مدرسه، اجتماع چه روش تربیتی و برخوردی وجود داشته که افراد مجرم را به چنان سویی برده است و ضروری است که حالات او را بررسی و مطالعه کرد و اطلاعات او را در نظر گرفت.
- ۷- تهیه طرح‌ها: تهیه دستورالعمل‌های اجرایی، هماهنگی و نظارت بر اجرای آنها در زمینه‌های قاچاق، سرقت، ضرب و جرح و انواع جرایم با ارائه راهکارهای پیشگیری اختصاصی هر جرم به تفکیک آن.



- ۸- به منظور صیانت و جلوگیری از آسیب رسیدن به نیروهای انسانی، نظارت مداوم و مستمر بر عملکرد آنان از طریق مراجع ذی صلاح ضروری می‌باشد. نظارت باید به نحوی صورت گیرد که آنان را به خدمت صادقانه، داشتن ابتکار عمل و خلاقیت تشویق نماید و به گونه‌ای نباشد که انگیزه خدمتی را از آنان سلب و یا کاهش دهد.
- ۹- گزینش و انتخاب کارکنان برای خدمت در ناجا باید متفاوت از سایر نیروها باشد و شرایط مشخص و معین برای گزینش آنان تعریف و به طور دقیق به آن عمل گردد.
- ۱۰- شناسایی کارکنانی که زمینه انحراف و کجروی در آنها مشهود است با انجام اقدامات اصلاحی و کنترلی.
- ۱۱- جلوگیری از مرادده و ارتباط کارکنان با افراد متخلف و مجرم جامعه.
- ۱۲- توسعه خوابگاه‌ها و فضای لازم برای سکونت کارکنان مجرد.
- ۱۳- اتخاذ تدابیر حفاظتی و صیانتی لازم در مشاغل که آسیب پذیری کارکنان در آنها زیاد است.
- ۱۴- با توجه به حجم زیاد کار کارکنان ناجا به خصوص در کلانتری‌ها و پلیس آگاهی درخصوص وقت استراحت آنان چاره اندیشی شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

کتاب

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن سینا، حسین، (۱۳۷۷ه.ق)، الاشارات و التنبيهات، تهران: مطبعة حیدری.
۴. الامدی التیمی، عبدالواحد، (۱۴۱۰)، غررالحکم و دررالکلم، مجموعه من الکلمات و الحکم الامام (علیه السلام)، الطبعة الثانية، قم: دارالکتاب الاسلام.
۵. ایرانشاهی، حمید، (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، چاپ اول، بهاران، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۶. جوادی آملی «مدظله العالی»، عبدالله، (۱۳۸۹)، ادب فنای مقربان، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ویرایش حسین شفیعی، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، مرکز نشر اسراء.
۷. سید تاج الدینی، علی و مجرد، محمد، (۱۳۹۱)، صیانت نفس در سپهر دین، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر ایمان، بازرسی کل ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، سوم، بیروت (لبنان): موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۹. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۳)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۰. قائمی، علی، (۱۳۸۸)، نظارت و بازرسی در اسلام، تهران: مرکز نشر و چاپ ایران، ساع.س ناجا، معاونت آموزش، اداره کل پژوهش و تالیفات، پائیز.
۱۱. قرائتی، محسن، (۱۳۸۶)، گناه شناسی، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۲. نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

مقالات

۱. توسلی، محمدحسن و مینائی راد، محسن، (۱۳۸۷)، «راهکارهای صیانت و پیشگیری



کارکنان ناجا درمقابل تهدیدات و آسیب ها»، دفتر مطالعات و تحقیقات ساعس ناجا، ماهنامه پژوهش و اندیشه، شماره ۱۲، سال پنجم.

۲. رحمان دوست، منصوره، (۱۳۸۵)، «چگونه کودکانی متدین تربیت کنیم؟»، ماهنامه پیوند، شماره ۳۲۵.

۳. فلاح زاده، ناصر، (۱۳۸۸)، «فضاسازی تربیتی برای دانش آموزان»، ماهنامه پرورشی تربیت، شماره ۱، سال بیست و چهارم.

